

روهنمو بهائئي از:

تأیید اسلام

پرويشگاه علوم انسانی
رتال جامع

برای تداوم

انقلاب اسلامی

یکی از وظایف و مسئولیت‌های گویندگان و نویسندگان متعهد در رابطه با انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای این انقلاب خونین نگهداری روحیه انقلابی و آمادگی مردم مسلمان و فداکاری است که همه چیز خود را برای بشر رسیدن این انقلاب مقدس در طبق اخلاص گذارده و اکنون نیز پس از گذشتن بیش از سه سال هدف هرگونه توطئه از سوی دشمنان داخلی و خارجی قرار گرفته معلوم نیست برای دفاع از اسلام عزیز تا کجا و تا کی باید بیداری نمود و استقامت ورزید. برای تأمین این منظور ممکن است نظرات گوناگون و طرح‌های مختلفی ابراز و ارائه شود که بنظر نگارنده، با تجربه‌ای که در مقدار تاثیر آنها دارم، برای توده مردم مسلمان و متعهدی که با این انقلاب رابندوش می‌کنند، شاید از همه موثرتر، بیان نمونه‌هایی از تاریخ گذشته اسلام و پاسداری و استقامت‌های حیرت‌انگیزی است که مسلمانان در طول تاریخ با ملامت ناشی از قیام‌ها و نهضت‌های اصیل و آزادی‌بخشی خود داشتند که براساس این ناملامت انقلاب ما با تمام بی‌آمدهای دشوار و مشکلاتی را که بدنیال‌داشت، با توجه به کم و کیف و ابعاد آن، در برابر آنها بسیار ناچیزی نماید، و از همه این تاریخها گویاتر و از نظر مورخین و سیره‌نویسان نیز زنده تر همان تاریخ صدر اسلام است که با مطالعه اجمالی یک دور ما از این تاریخ زنده و گویا صدق گفتار ما بعبان مشاهده خواهد گردید.

اکنون بد نیست برای اطلاع بیشتر باز هم قدری بجلو برویم و زندگی

مردم جزیره العرب (یعنی زادگاه اسلام) را از سالها قبل از ظهور اسلام بررسی کنیم تا بدانیم که اینان در چه وضعی بودند و با پذیرش اسلام ناگهان با چه مشکلاتی مواجه شدند و بدنیال آن در اثر استقامت و بیداری، به چه عظمت و قدرتی رسیدند که پشت همه ابر قدرتهای زمان را به لرزه در آورده و برای چندین قرن بزرگترین قدرت جهان را تشکیل دادند. و شاید بهتر آن باشد که مطلب را از افراد و شخصیتها آغاز کنیم و از همه بهتر مطالعه زندگانی رهبر گرامی اسلام و خود رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد که بر خلاف نوشته برخی از نویسندگانی که اصرار دارند وضع زندگی آن حضرت را قبل از ازدواج با خدیجه وضع دشوار و بسیار سختی نشان دهند، و بدنیال آن برداشتهای غلطی بکنند و از روی غرض ورزی و بیاندانی ان بزرگوار را انسانی عقده‌ای که کمبود محبت و خوشی داشته معرفی کنند، از رفاه و آسایش نسبی برخوردار بوده، و از نظر مادی در فشار و مضیقه نبوده است، و تنها بخاطر نجات امت خود و دفاع از مظلومان و نجات محرومان از سلطه جمعی ستمکار و رباخوار و سودجو بود که دچار آن همه آزار و شکنجه و سختی گردید. و برای توضیح بیشتر لازم است قدری به تاریخ بنگریم، و در این باره قسمتی از نوشته یکی از نویسندگان معاصر برای شما نقل می‌کنیم. وی در شرح زندگانی رسول خدا (ص) در دوران کودکی می‌نویسد:

"شش ساله بود که مادرش متعذر گذشت و پس از مرگ آمنه، جد

وی "عبدالمطلب" سرپرستی و نگهداری او را بعهده گرفت و تا زنده بود از فرزند زاده خود بخوبی نگاهبانی می کرد و او را سخت گرامی می داشت. می دانیم که زندگانی عرب حتی در خانواده های شرافعی توأم با تجمل فراوان نیست، بلکه گاه بدانچه دیگران آنرا ضروری می دانند توجهی ندارند. زندگانی عبدالمطلب و ابوطالب نیز تجملی نداشته است، اما هیچیک از مورخان صدراول ننوشته اند که "محمد" در کودکی بسختی می زیست، یا بیشتر از همسالان خود رنج و مرارت کشید. هیچیک ننوشته اند او یتیم بود و از محبت محروم ماند. این استنباطها و بحث و تحقیق ها را ما برای اولین بار در نوشته "غریبان می خوانیم" مورخان مسلمان نوشته اند. محبتی که عبدالمطلب و ابوطالب نسبت به "محمد" داشتند به حد شیفتگی رسیده بود.

نویسنده آن نگاه قسمتی از ترجمه کتاب "محمد پیغمبری که از نو باید شناخت" را نقل کرده کمی گوید: "محمد بن عبدالله (ص) یک رنجبر معنای واقعی بود... هیچ کس را نمی توان یافت که به اندازه پیغمبر اسلام در کودکی و جوانی رنج برده باشد. من تصور می کنم یکی از علل اینکه در قرآن به دفعات توصیه شده نسبت به یتیمان و مساکین ترجمه نمایند و از آنها دستگیری کنند همین بوده که محمد بن عبدالله، دوره کودکی را با یتیمی گذراند... در دوره های از عمر که احتمال دیگر تمام اوقات خود را صرف بسازی می کنند، محمد خردسال مجبور شد که تمام اوقات خود را صرف کار برای تحصیل معاش نماید، آنهم یکی از

سخت ترین کارها، یعنی نگاهداری گله". در رد سخنان نویسنده ایسن کتاب می گوید: "این نویسنده گفتار خود را از روی باخدی همچون کتابهای این قتیبه و ابن سعد و طبری و مسعودی و کلینی و بلاذری و دیگران گرفته و خوشبختانه همه این اسناد در دست است". سپس می گوید:

"نمی گویم اگر کسی گفت "محمد" رنجبر بوده، یا در دوران کودکی بیش از کودکان دیگر ستم دیده است، از مقام پیغمبر اسلام کاسته است و نمی گویم، برای محمد افتخاری است که خاندان او بزرگ و بزرگ زاده باشند، چه او همچون گهر نسبت از خویشانش می کشد، می گویم ما خدا و فرنگیان یکی است،

"عبدالمطلب جا نای در سایه گه می گسترده، پسران وی گرداگرد آن گسترده می نشستند تا عبدالمطلب از خانه بیرون آید و هیچ یگانه از آن بخاطر حرمت وی روی گسترده نمی نشست، محمد که کودکی خردسال بود می آمد تا بر آن گسترده بنشیند، عموهایش و ربابا می داشتند. عبدالمطلب چون چنین می دید می گفت پسر مرا واگذارید، به خدا سوگند او مرتبتی دارد، آنگاه محمد (ص) ربابا خود بر آن گسترده می نشاند و پشت او را به دست خود می مالید و آنچه محمد می کرد او را خوش می آمد نوشته "یعقوبی نیز تقریباً در کلمات قریب به نوشته "ابن هشام و در مطلب با آن همانند است. "یعقوبی درباره "محبت ابوطالب نسبت به پیغمبر چنین می نویسد:

مردم جزیره العرب با پذیرش اسلام ناگهان با مشکلاتی مواجه شدند و بدنبال آن در اثر استقامت و پایداری به عظمت و قدرتی رسیدند که پشت همه ابرقدرتهای زمان را به لرزه در آوردند.

"عبدالمطلب به سن یکصد و بیست سالگی، و گویند یکصد و چهل سالگی درگذشت و رسول الله هشت ساله بود. بهنگام مرگ این بیات را به ابیطالب گفت: اَوْصِيكَ يَا عَبْدَ مَنْفَى بَعْدِي بِمَقْرَدٍ بَيِّدٍ أَيْبَسَ فَرْدٍ فَارَقَهُ وَ هُوَ ضَجِيحُ الْمَهْدِ فَكُنْتُ كَالْأَمِّ لَهْ فِي الْوَجْدِ تَدْبِيهِ مِنْ أَحْسَانِهَا وَالْكَفِيدِ فَأَنْتَ مِنْ أَرْجَى بَنِي عَيْدِي لِدَفْعِ ضَمِيمٍ أَوْلَيْتَهُ عَفِيدِ

پس وقتی نتیجه، مخالف یکدیگر است نباید سخنان فرنگی را فقط بخاطر آنکه فرنگی است بپذیریم. می گویم ما هنوز بدان درجه از فقر علمی نرسیده ایم که غریبان بهتر از ما به تاریخ دین ما و زندگانی پیشوایان دینی ما آگاه باشند. هنوز چنان تهیدست شده ایم که کتب کلام و فلسفه و تاریخ ما را مغرب زمینیان نا آگاه از مقدمات عربیت بهتر از ما تدریس کنند... این هشام نوشته است:

از این بیت ها میزان دل بستگی عبدالمطلب به محمد و ابهت وی در دیده او معلوم می شود. "یعقوبی می نویسد: "ابوطالب سرپرستی محمد را بعهده گرفت. وی مردی بزرگوار شریف، باحشمت و مطاع بود و محصداً به بهترین وجه سرپرستی کرد". گمان دارم سزاخلاف نظر ما و دانشمندان مغرب زمین - هرگاه غرض رانی و تعصب مسیحیت یا عواملی از این قبیل در میان نباشد اینست که آنان روح کلمات مشرق زمینی را بخصوص در مواردی که این کلمات مفسر آداب و اخلاق و زندگانی آنهاست در نمی یابند چنانکه ما نیز نسبت به غریبان چنینیم.

گوسفند چرانی در زندگانی بدوی یکی از رسوم معمولی مرد و زن خانه و از کارهای تفریحی کودکان قبله است. اگر محمد گوسفند ابوطالب را بچراند نشانه رنجبری و نیست، و اگر در آن بگیرد بدین تن خود را بشوید نمی خواهد محرومیت خود را جبران کند، اگر در هشت سالگی بخاطر دل بستگی که به عموی خود دارد، با لابه از وی بخواهد که او را همراه خود به سفر شام برد، معنی آن این نیست که زندگی رفت بار او مشقت سفر را بروی تحمل کرده است. اصولاً هر کس به زندگی عرب جزئی آشنائی داشته باشد می داند که سادگی و کم خرجی این نوع معیشت نیازی به تلاش و کوشش ندارد. نمی دانم کلمه "رنجبر" در ترجمه فارسی معادل کدام کلمه اروپائیان است، ولی به هر حال استعمال این کلمه درباره محمد

به مفهوم اقتصادی آن درست نیست، هرچند وی در عبادت خدا و تبلیغ فرمان او بیش از هر کس رنج برده است. اما پیداست که مولف محترم از این کلمه این مفهوم را نمی خواهد.

نگارنده گوید: این نویسنده محترم معاصریک مطلب را هم فراموش کرده که بنویسد آن این است که کوفسند هائی را که رسول خدا (ص) می چرانید تعدادی از آنها نیز از خود آن حضرت بود که از مادرش آمده به ارت برده بود و بهر صورت برای کسی کوفسند چرانی نکرد و احتیاجی هم به چنین کاری نداشت، و از نظر احترام نیز به خصوص پس از گذشت چند سال از عمر شریف و رسیدن به عنفوان جوانی در انرا مانع و پاکدامنی

مورد احترام عام و خاص مردم مکه قرار گرفت تا جایی که همانطور که می دانیم به "امین" معروف شد و خدیجه با ثروت فراوانی که داشت

را در اختیار آن بزرگوار قرار داد و بدینال از هرگونه رفاه و امکانی در زندگی برخوردار گردید و هیچگونه کمبودی در زندگانی مادی خود

نامشروع بجنگد و برضد طاغوتیان زمان و مستکبران قیام کند و برچم دفاع از محرومان را بدوش کشد، با انواع مشکلات و رنجها و مصائب مواجه گردید، بخصوص پس از رسیدن به چهل سالگی و ماموریت بزرگ الهی که در این باره بدو محول گردید که با انواع تهمت ها و زخم زبانها و شکنجه های روحی و جسمی هم مواجه گردید و تا پایان عمر شریف و بربرکت خود برای انجام این ماموریت و بشمر رساندن آن انقلاب و نهضت و حفظ و حراست آن آئین مقدس پیوسته رنج برد و بهرگونه آزار و اذیت مبتلا گردید تا آنجا که برطبق آن حدیث معروف فرمود:

"ما اودی نسی مثل ما، اذیت هیچ بهامبری همانند من اذیت و آزار ندید! اذانه دارد

از روزی که پیغمبر اسلام (تصمیم گرفت برضد طاغوتیان زمان و مستکبران قیام کند با انواع مشکلات و رنجها مواجه گردید... تا آنجا که فرمود: هیچ بهامبری همانند من اذیت و آزار ندید.

شسته، اخلاق و پاکدامنی و عظمت روح او گردید و خود مقدمات از دواج با آن حضرت را فراهم نمود، و با کمال اشتیاق به همسری او درآمد و از آن به بعد نیز ثروت بی حد خود

نداشت و دچار عقده حقارت و با کمبود حجت نیز نشده بود. اما از روزی که تصمیم گرفت با نابرابریهای ناشی از افزون طلبیها و ظلم و ستمها و سود جوئیهای

دنباله پاسداران بزرگ اسلام

بسیاری از علوم و فنون را قبیل: فقه اصول، تفسیر، کلام، رجال، ادعیه و حدیث کتابهایی تالیف کرده که مورد اعتماد و اقتباس و استفاده علماء و عموم مردم در طول قرون و ادوار بوده است.

شیخ قاضی بزرگ طهرانی رحمه الله علیه در کتاب "حیا قال شیخ طوسی" ۵۰ کتاب از کتابهای شیخ طوسی را ذکر کرده است که آنچه تا کنون چاپ شده شرح زیر است:

- ۱- کتاب الرجال، یکی از عمده ترین کتابها در این فن است که مورد حاجت فقها و محدثین است.
- ۲- تهذیب الاحکام و الاستصار فی مختلف من الأخبار که ذکر آنها گذشت.
- ۳- الخلاف، که اختلافات فقهی مسلمین را در آن ذکر کرده، و در موارد اختلاف برای ارجح رایان نموده است.

- ۵- التبیان، کتابی بی نظیر در تفسیر قرآن است و شیخ طوسی در مجمع البیان اعتراف به اقتباس و استفاده از او نموده است. دارای ۱۰ جزو بزرگ است و چندین بار چاپ شده است.
- ۶- مصباح التبهید، در ادعیه و عبادات است.
- ۷- الامالی، آنچه آن بزرگوار بر شاگردانش در نجف شرفی ملام کرده است. از احادیث و اخبار ائمه معصومین علیه السلام.
- ۸- العده، در اصول فقه.
- ۹- کتاب "النهایه" در اصول و فروع دین. این کتاب از اولین تالیفات شیخ است.
- ۱۰- اختصار الرجال
- ۱۱- الفهرست
- ۱۲- المسوط فی الفقه
- ۱۳- الاجاز فی الفرائض
- ۱۴- تلخیص الثانی فی الإمامة
- ۱۵- القیة
- ۱۶- الاقتصاد الیهادی السی طریق الرشاد.

و اما کتابهایی که تا کنون چاپ نشده، و یا در اثر آتش سوزی کتابخانه، گریخته یا سوخته، و یا بدلیل دیگری از بین رفته بدین

- ۱۷- الجمل و العقود فی العبادات
- ۱۸- المفصیح فی الإمامة
- ۱۹- مختصر المصباح فی الادعیه
- ۲۰- هدایة المسترشد
- ۲۱- مناکح الحج
- ۲۲- مختصر اخبار المختار
- ۲۳- مسالقی تحریم الفحاح
- ۲۴- فی وجوب الجزیه
- ۲۵- فی العمل بغير الواحد
- ۲۶- المسائل القتیة
- ۲۷- مقتل الحسن (ع)
- ۲۸- مختصر فی عمل یوم ولیة
- ۲۹- مسالقات الغار
- ۳۰- المسائل فی الفرق بین النبی و الامام
- ۳۱- مالایع العکف الاخلال
- ۳۲- ما یعلل و ما لا یعلل
- ۳۳- شرح التشریح فی الاصول
- ۳۴- مقدمه فی المدخل الی علم الکلام
- ۳۵- ریاضة العقول
- ۳۶- تهذیب الاصول
- ۳۷- اصول العقائد
- ۳۸- انس الوحید
- ۳۹- مسائل ابن البراج
- ۴۰- المسائل الالیاسیة

- ۴۱- المسائل الجنیاتیة
- ۴۲- المسائل الحائریة
- ۴۳- المسائل الحلبیة
- ۴۴- المسائل الدمشقیة
- ۴۵- المسائل الرازیة
- ۴۶- المسائل الرجبیة
- ۴۷- مسالقی الاحوال
- ۴۸- تعلیق مالایع
- ۴۹- مسالقی مواقیب الصلاة
- ۵۰- الکافی فی الکلام

وفات شیخ طوسی

پس از گذشت ۱۲ سال از عمر پر برکت شیخ طوسی در نجف شرف، بالاخره عمر مظاهریش (۷۵ سال) در این دنیای فانی تمام شد، و در شب ۲۲ محرم الحرام سال ۴۶۰ هجری زندگی جاویدان خود را در دار آخرت و منزلگاه ابدی آغازید. بنا بر وصیتش او را در منزل خود دفن کردند، و منزلش نیز پس از وفاتش طبق وصیتش مسجدی شد که هم اکنون به مسجد طوسی معروف است.